



Islamic Maaref University


Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI

Vol. 21, Autumn 2025, No. 82

A Comparative Analysis of Victory Indicators in Religious and Non-Religious Intellectual Frameworks

Seyed Ali Delbari ¹ \ Mohammad Ali Alipour ²

1. Professor, Razavi University of Islamic Sciences, Khorasan Razavi, Mashhad, Iran (the responsible).
delbari@razavi.ac.ir
2. Furth level student in Hawzah, Khorasan Razavi, Mashhad, Iran.
mohammad.a.a1367@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	In the current system of international relations, one of the strategic issues for governments and societies is to identify and apply effective mechanisms to overcome the enemy and achieve victory. The research problem is to examine the difference in the methods of religious and non-religious systems in victory. The religious view considers victory to be the product of adherence to revealed teachings, divine beliefs, and spiritual virtues, while non-religious views emphasize instrumental rationality, material pragmatism, and the use of hard power, as the strategy for achieving victory. This research, using a descriptive-analytical method and a comparative approach, has analyzed the theoretical and practical foundations of both views. The research findings indicate that the common components of both systems include effort, awareness, patience, and risk-taking. But the specific religious components include trust, prayer, and commitment to guardianship, and the non-religious components include domination by any means for victory in an arrogant method.
	
Received: 2025/05/27 Accepted: 2025/10/18	
Keywords	Indicators of Victory, Victory in Religious Wiew, Victory in Non-Religious View, Theoretical Foundations of Victory, Practical Effects of Victory.
Cite this article:	Delbari, Seyed Ali & Mohammad Ali Alipour (2025). A Comparative Analysis of Victory Indicators in Religious and Non-Religious Intellectual Frameworks. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 21 (3). 137-156. DOI: 10.22034/21.82.135
DOI:	https://doi.org/10.22034/21.82.135
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

تحليل مقارن لمؤشرات النصر في الإطار الفكري الديني وغير الديني

سيد علي دلبري^١ / محمد علي عليپور^٢

١. أستاذ في قسم علوم القرآن والحديث، جامعة العلوم الإسلامية الرضوية، خراسان رضوى، مشهد، إيران (الكاتب المسؤول).

delbari@razavi.ac.ir

٢. طالب في المستوى الرابع في الحوزة العلمية، خراسان رضوى، مشهد، إيران.

mohammad.a.a1367@gmail.com

ملخص البحث	معلومات المادة
في النظام الحاضر للعلاقات الدولية، يُعدّ تحديد وتوظيف الآليات الفعّالة لتحقيق الغلبة والنصر المستدام أحد القضايا الاستراتيجية للدول والمجتمعات. وموضوع هذا البحث هو دراسة الفرق بين منهج الأنظمة الدينية وغير الدينية في تحقيق النصر. حيث ترى الرؤية الدينية أن النصر هو ثمرة الالتزام بالتعاليم الوحية والمعتقدات الإلهية والفضائل الروحية، بينما تركز الرؤية غير الدينية على العقلانية الوسيطة، والعملية المادية، واستخدام القوة الصلبة لتشكيل استراتيجيات الغلبة. وقد اعتمد البحث على المنهج الوصفي-التحليلي، مع تبني المقاربة المقارنة، لدراسة الأسس النظرية والعملية لكل من الرؤيتين. وأظهرت النتائج أن العناصر المشتركة بين النظامين تشمل: الاجتهاد، الوعي، الصبر، والمخاطرة. أما العناصر الخاصة بالنظام الديني فتشمل: التوكل، الدعاء، والالتزام بالولاية، في حين تشمل العناصر الخاصة بالنظام غير الديني: الهيمنة باستخدام أي وسيلة لتحقيق النصر، ونهج الاستكبار.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/١١/٢٧ تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠٤/١٥
مؤشرات النصر، النصر في الفكر الديني، النصر في الفكر غير الديني، الأسس النظرية للنصر، الآثار العملية.	الألفاظ المفتاحية
دلبري، سيد علي و محمدعلي عليپور (١٤٤٧). تحليل مقارن لمؤشرات النصر في الإطار الفكري الديني وغير الديني. مجلة الفكر الديني الجديد. ٢١ (٣). ١٥٦ - ١٣٧. DOI: 10.22034/21.82.135	الاقتباس:
https://doi.org/10.22034/21.82.135	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	الناشر:



واکاوی تطبیقی شاخص‌های پیروزی در چارچوب فکری دینی و غیردینی

سید علی دلبری^۱ / محمدعلی علیپور^۲

۱. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، خراسان رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

delbari@razavi.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار حوزه علمیه، خراسان رضوی، مشهد، ایران.

mohammad.a.a1367@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۵۶ - ۱۳۷)	در نظام کنونی روابط بین‌الملل، یکی از مسائل راهبردی برای دولت‌ها و جوامع، شناسایی و به‌کارگیری مکانیسم‌های مؤثر جهت غلبه بر دشمن و تحقق پیروزی پایدار است. مسئله تحقیق بررسی تفاوت روش نظام‌های دینی و غیر دینی در پیروزی است. نگاه دینی، پیروزی را محصول پایبندی به آموزه‌های وحیانی، اعتقادات الهی و فضایل معنوی می‌داند، در حالی که نگرش‌های غیردینی با تأکید بر عقلانیت ابزاری، عمل‌گرایی مادی و بهره‌گیری از قدرت سخت، راهبرد تحقق غلبه را شکل می‌دهند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد مقایسه‌ای، بنیان‌های نظری و عملی هر دو نگرش را واکاوی کرده است. یافته‌های تحقیق بیان‌گر این است که مؤلفه‌های مشترک هر دو نظام، شامل سعی، آگاهی، صبر و خطرپذیری است. اما مؤلفه‌های اختصاصی دینی شامل توکل، دعا و التزام به ولایت است و مؤلفه‌های غیردینی شامل سلطه با استفاده از هر ابزار برای پیروزی و روش استکباری است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶	شاخص‌های پیروزی، پیروزی در تفکر دینی، پیروزی در تفکر غیر دینی، بنیان‌های نظری پیروزی، آثار عملی پیروزی.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶	
واژگان کلیدی	
استاد:	دلبری، سید علی و محمدعلی علیپور (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی شاخص‌های پیروزی در چارچوب فکری دینی و غیردینی. اندیشه نوین دینی. ۲۱ (۳). ۱۵۶ - ۱۳۷. DOI: 10.22034/21.82.135
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/21.82.135
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

پرسش محوری این است که پیروزی چگونه تعریف می‌شود و چه مؤلفه‌هایی در تحقق آن نقش‌آفرین‌اند؛ آیا این مؤلفه‌ها باید ریشه در آموزه‌های دینی، ایمان به غیب و التزام به ارزش‌های الهی داشته باشند یا آنکه بر بنیان عقلانیت ابزاری، مهارت‌های راهبردی مادی و قدرت تکنولوژیک استوار شوند؟ فقدان مطالعات تطبیقی جامع در این حوزه، موجب شده است که تصویر روشن و مستندی از مزایا و محدودیت‌های هر یک از این دو رویکرد در اختیار تصمیم‌سازان نباشد؛ این امر ضرورت پژوهش حاضر را از دو جنبه برجسته می‌سازد: نخست، اهمیت فرهنگی - تمدنی تحلیل نگاه دینی که پیروزی را امتداد سنت‌های الهی و مبتنی بر نصرت ربانی می‌داند؛ دوم، اهمیت راهبردی - عملی بررسی رویکرد غیردینی که بر محاسبه عقلانی و سلطه‌جویی متمرکز است. هدف اصلی این تحقیق، تبیین تطبیقی بنیان‌های معرفتی و عملی هر دو نگرش، شناسایی مؤلفه‌های مشترک و تمایزبخش، و ارزیابی ظرفیت‌های اجرایی آنها برای نظام‌های دینی و غیردینی است.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره مفهوم پیروزی در علوم سیاسی و دینی، هنوز تحلیل نظام‌مند از تفاوت مبانی معرفت‌شناختی دو نگاه وجود ندارد. از این رو، بررسی تطبیقی شاخص‌های پیروزی می‌تواند نشان دهد که چگونه نگرش دینی با تکیه بر معنویت و نصرت الهی، الگویی پایدارتر نسبت به نگاه ابزاری و قدرت‌محور غیردینی ارائه می‌دهد.

مسئله اصلی این مقاله، مقایسه و تطبیق مبانی پیروزی در نگاه دینی و غیردینی است تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو رویکرد تحلیل و بررسی شود. در ساختار این پژوهش، ابتدا مبانی پیروزی از منظر دینی تشریح می‌گردد. در مرحله بعد، به بررسی مبانی پیروزی در رویکرد غیردینی پرداخته می‌شود. سپس تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مبنا بررسی خواهد شد.

پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد که براساس جست‌وجوهای انجام‌شده توسط نگارنده، موضوع «مقایسه مبانی پیروزی در نگاه دینی و غیردینی» به صورت مستقیم در هیچ یک از مکتوبات پیشین مطرح نشده است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه پیروزی، عمدتاً به عناوینی نظیر «ادبیات پیشگویانه و نقش آن در پیروزی مسلمانان و شکست ایرانیان»، «تبیین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران براساس مدل قدرت شبکه‌ای مانوئل کاستلز»، و «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی» پرداخته‌اند. نزدیک‌ترین پژوهش به این موضوع، اثر ذکراالله محمدی با عنوان «نقش مؤلفه‌ها و باورهای دینی در پیروزی سپاه سلجوقی در نبرد ملازگرد» است که در شماره ۹ نشریه *پژوهش‌های علم و دین* منتشر شده است. این پژوهشگر معتقد است که اعتقادات معنوی نقش بسزایی در پیروزی دارند.

مقاله حاضر، هدف خود را بر مقایسه و تحلیل مبانی پیروزی در دیدگاه‌های دینی و غیردینی قرار داده و تلاشی برای ارائه نگاهی جامع‌تر به این مسئله است.

الف) مبناهای مشترک پیروزی در نگاه دینی و غیردینی

انسان‌ها در پی دستیابی به پیروزی، به یکسری مبانی و اصول متوسل می‌شوند که کمکشان کند. دو رویکرد عمده، دینی و غیردینی، هر یک با دیدگاه‌های متفاوتی به موضوع پیروزی می‌نگرند. با این وجود، میان این دو نگرش، مبانی مشترکی وجود دارد که نشان‌دهنده نقاط همگرایی در اندیشه انسانی است. بررسی این مبانی می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌ها و یافتن مسیرهای مشترک برای موفقیت پایدارتر کمک کند. در ادامه، به بررسی این اصول مشترک در نگاه دینی و غیردینی می‌پردازیم.

۱. تلاش

نیاز به تلاش برای موفقیت در جنگ، از جمله مبانی مشترک در دیدگاه‌های دینی و غیردینی درباره پیروزی است. همگان برای پیروزی بر دشمن تمام توان و تلاش خود را به کار می‌گیرند، چراکه می‌دانند در صورت سستی، شکست ناگزیر است. «آفَةُ النَّجْحِ الْكَسَلُ؛ آفتِ کامیابی، تنبلی است» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۶۳). به همین منظور، نه تنها از زمان استراحت خود می‌کاهند، بلکه تمرین‌های فراوان انجام داده و تمامی ابزارهای دفاعی خود را برای غلبه بر دشمن گردآوری می‌کنند. «عَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ؛ بر شما واجب است که جدیت و تلاش مستمر داشته باشید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱ / ۹۲). «بدون عمل، هیچ چیزی در دنیا، نه دستاوردهای دنیایی، نه دستاوردهای اخروی و الهی امکان ندارد. "لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" (نجم / ۳۹) برای انسان چیزی جز آنچه تلاش کرده است، وجود ندارد. باید سعی و عمل کرد؛ اگر عمل کنیم، ممکن است به نتیجه برسیم» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲).

در برخی آیات، مؤمنان به دلیل عدم مقابله با کفار توبیخ شده‌اند، زیرا وظیفه آنها مقابله و مقاومت است تا خداوند جهاد و کوشش ایشان را ببیند و آنها را پیروز کند. مؤمنان با تعالیم اسلامی آشنا شده و بدون هراس در مقابل سلطه‌گران می‌ایستند، حتی تا حد فدا کردن خود برای پیروزی جبهه حق.

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ. (توبه / ۱۳)

آیا با قومی که پیمان‌های خود را شکستند و تصمیم گرفتند رسول [خدا] را بیرون کنند، نمی‌جنگید؟

افرادی که برای پیروزی دین خدا از آسایش خود دست برداشته، هجرت و جهاد می‌کنند، افزون بر

پاداش اخروی، در دنیا نیز از لطف الهی برخوردار می‌شوند و بر دشمنان غالب می‌گردند.

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً. (نحل / ۴۱)
و کسانی که در راه خدا هجرت کردند پس از آنکه مورد ظلم قرار گرفتند، به‌زودی در دنیا جایگاه خوبی برایشان فراهم خواهیم ساخت.

«اراده قوی لازم است تا در مقابل این جاذبه‌های شیطانی بتوانید مقاومت کنید. اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه را فتح خواهید کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۲۱). مبنای تلاش همچین در دشمنان دین وجود دارد و خداوند به همه بشر به‌طور عمومی امداد می‌دهد و این امداد به‌طور مستقیم با تلاش و کوشش آنها مرتبط است تا به آنها برکت دهد. «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / ۳۹) و انسان هیچ مالکیتی ندارد که اثر آن - چه از جهت خیر یا شر، سود یا زیان - به‌صورت واقعی به خود او بازگردد، مگر آنچه در آن تلاش و جدّیت کرده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۴۶). «مَنْ بَلَغَ جُهْدَ طَاقَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ؛ هر کس به حد توان خود کوشش کند، به عمق واقعی اراده‌اش دست یافته است» (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۳۸).

تحلیل و بررسی

تلاش در نگاه دینی نه صرفاً کنش فیزیکی، بلکه تجلی ایمان در عمل است. آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهند که حرکت انسانی تنها زمانی ارزشمند است که در مسیر رضای الهی و برای تحقق عدالت باشد. بنابراین، پیروزی در این چهارچوب به ارتباط بین نیت، ایمان و عمل گره خورده است. در مقابل، نگاه غیردینی تلاش را پدیده‌ای خودبسنده می‌داند که هدفش تحقق منافع فردی یا ملی است. این تفاوت، ماهیت دو نظام را آشکار می‌کند: یکی تلاش را ابزار رشد روحی و اجتماعی می‌داند و دیگری وسیله سلطه و رقابت.

۲. آگاهی

در زمینه نبرد و میدان‌های رقابت، افزایش دانش از اهمیت بالایی برخوردار است. «لَا ذَكِيلَ أَتَّجَحُّ مِنَ الْعِلْمِ؛ هیچ دلیل و راهنمایی‌ای موفق‌تر از دانش نیست» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۲). و «الْعِلْمُ يُنْجِدُ؛ علم یاری می‌رساند» (آمدی، ۱۴۱۰: ۵). با توسعه دانش، مهارت‌های فردی نیز بهبود می‌یابند. علم نظامی، در تمامی ادوار، جامعه را برای دستیابی به موفقیت آماده‌تر کرده است. مؤمنان نیز همچون دیگر افراد جامعه، باید با تسلیح به سلاح علم، در جهت یاری دین خدا گام بردارند. یکی از راه‌های مقاوم کردن کشور عبارت است از حرکت علمی، که نه باید متوقف شود، نه باید شتاب آن کاهش یابد.

تحلیل و بررسی

در اندیشه دینی، علم نوری الهی است که انسان را به سوی حقیقت و تقرب به خداوند هدایت می‌کند. علم در خدمت اخلاق، عدالت و معنویت قرار دارد و هدفش اصلاح انسان و جامعه است؛ اما در منظومه غیردینی، علم از غایت قدسی جدا شده و به ابزار قدرت، سلطه و بهره‌برداری از طبیعت بدل گردیده است.

۳. صبر و پایداری

مؤمنانی که در میدان نبرد حق علیه باطل با صبر و استقامت وارد عمل می‌شوند، نوید پیروزی را در پیش دارند. این وعده در آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته که تلاش‌های افراد دیندار با امداد الهی تکمیل می‌شود و آنان بر دشمنان خود پیروز خواهند شد. ایمان دینی، که پشتیبان حرکت مؤمنان است، به‌عنوان ابزاری برای غلبه بر دشمن به کار می‌رود. «ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ» (مائده / ۲۳) و «فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ؛ پس صبر کنید تا خداوند میان ما حکم کند، و او بهترین داوران است» (اعراف / ۸۷).

علمی که می‌گوید صبر و استقامت در میدان نبرد نیازمند حوصله و تدبیر است نیز نباید نادیده گرفته شود؛ چراکه دنیا دنیای اسباب و علل است و برای دستیابی به پیروزی‌های بزرگ، نباید به صرف حضور در میدان و اندکی مقاومت دل بست. «فَاصْبِرُوا وَوَطِّنُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الصَّبْرِ تَوَجَّرُوا؛ پس صبر کنید و دل‌های خود را به صبر عادت دهید تا پاداش یابید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۳۱). تأکید بر این روحیه دارد. ملت‌های منطقه نشان داده‌اند که توانسته‌اند با شجاعت و فداکاری در برابر توطئه‌های استعمار ایستادگی کنند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد» (محمد / ۷)، گواهی از تحقق وعده الهی است.

در نگاه تاریخ و سیره می‌توان تبیین نقش صبر و مقاومت در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را به‌خوبی نشان داد. مسیری که مردم ایران با تکیه بر صبر و بصیرت انقلابی در ساقط کردن استبداد نظام شاهنشاهی، دوران جنگ تحمیلی، فتنه‌های گوناگون، تحریم‌های اقتصادی و جنگ نرم علیه فرهنگ و اعتقاداتشان، پشت سر گذاشتند و حاصلش سربلندی و استقلال همه‌جانبه و اقتدار کشور شده است (مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۸/۱۰).

تحلیل و بررسی

صبر در نگرش دینی نه صرفاً تحمل شرایط دشوار، بلکه نوعی مقاومت فعال برای تحقق وعده الهی است.

قرآن کریم صبر را عامل اصلی نصرت و پیروزی می‌داند، زیرا انسان صابر از افق الهی به حوادث می‌نگرد و در مسیر حق ثابت‌قدم می‌ماند. در مقابل، پایداری در نظام غیردینی غالباً از جنس اراده انسانی برای حفظ منافع مادی است و فاقد پشتوانه قدسی است.

۴. روحیه خطرپذیری

یک مورد دیگر از مبانی مشترک، روحیه خطرپذیری است. موفقیت و پیروزی بدون پذیرش خطر و کنار گذاشتن ترس، امکان‌پذیر نیست. افراد موفق، همواره با روحیه‌ای شجاع و بی‌باک در مسیر اهداف خود گام برداشته‌اند. داشتن شجاعت و روحیه خطرپذیری نه تنها مانع ترس‌های بی‌مورد می‌شود، بلکه بستری برای ورود به عرصه‌های جدید و پیشرفت فراهم می‌آورد. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

إِذَا هَيْبَتُ امْرَأٍ قَعَّتْ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ (حکمت / ۱۷۵).

هرگاه کاری پیش آمد، در آن وارد شو؛ زیرا سختی اجتناب از آن، بزرگ‌تر از چیزی است که از آن می‌ترسی.

از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، مقایسه مردم مشرق‌زمین و غرب نشان می‌دهد که روحیه ریسک‌پذیری در میان اروپاییان بیشتر بوده است.

تحلیل و بررسی

شجاعت در نگاه دینی برخاسته از باور به توحید و یقین به آخرت است؛ یعنی انسان مؤمن از مرگ نمی‌هراسد، زیرا هدفش فراتر از بقا و غلبه مادی است. در این نگرش، خطرپذیری ابزار تحقق حق و دفاع از مظلوم است، نه راهی برای قدرت‌نمایی. در مقابل، شجاعت در جهان بینی غیردینی معمولاً به معنای ماجراجویی یا کسب افتخار ملی و شخصی است.

ب) مبانی اختصاصی پیروزی در نگاه دینی

پیروزی در جنگ، هدف هر گروهی است. گروه‌های دینی در مقایسه با احزاب غیردینی، رفتارها و رویکردهای متفاوتی برای دستیابی به موفقیت اتخاذ می‌کنند. ایمان و توکل، اطاعت از ولی و علم به نصرت قطعی الهی برای مؤمنان، از جمله مبانی پیروزی در نگاه دینی به شمار می‌رود. مؤمنان بر این باورند که موفقیت، نه تنها به تلاش‌های فردی، بلکه به لطف و یاری الهی نیز وابسته است. به همین دلیل، تمامی سعی خود را به کار می‌گیرند تا در مسیر هدایت‌های الهی گام بردارند و از امدادهای غیبی بهره‌مند شوند. در ادامه، مبانی پیروزی از منظر دینی تشریح می‌شود.

۱. ایمان و توکل به خداوند

یکی از مبانی اساسی پیروزی مؤمنان در مقابل دشمنان، ضرورت جلب امدادهای الهی است؛ زیرا حتی با وجود تلاش‌های فراوان، انسان نمی‌تواند از عنایات الهی بی‌نیاز باشد. تلاش‌های فردی و اجتماعی مردم تنها نیمی از موفقیت را تأمین می‌کند و برای مقابله با دشمن، این تلاش‌ها باید با توکل بر خداوند همراه باشد. کمک الهی به معنای تلاش نکردن نیست؛ بلکه سنت الهی است که اگر افراد در میدان عمل حاضر شوند و وظیفه خود را انجام دهند، امدادهای آسمانی از آنها حمایت می‌کند. «قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أُنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِذْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ دو نفر از کسانی که از خداوند بیم داشتند گفتند: بر در آنها وارد شوید؛ زیرا اگر وارد شوید، پیروز خواهید شد و بر خدا توکل کنید، اگر ایمان دارید» (مائده / ۲۳) (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۶۰۵).

مؤمنان با انجام عبادات و تضرع به درگاه الهی، خود را برای دریافت کمک‌های الهی آماده می‌کنند. «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد، و اگر شما را رها کند، پس چه کسی پس از او می‌تواند شما را یاری دهد؟ پس مؤمنان باید بر خدا توکل کنند» (آل عمران / ۱۶۰) (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۷۰۷).

در نهایت، مقدار توکلی که هر فرد دارد، به میزان شناخت و درک او از خداوند بستگی دارد. داستان حضرت موسی عليه السلام مشاهده می‌شود که وقتی به بن‌بست رسیدند، ایشان با یقین کامل اعلام می‌کند که شکست نخواهند خورد؛ زیرا خداوند مسیر را برای آنها خواهد گشود.

«فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالِ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ * قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ... وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ * ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ؛ پس هنگامی که دو گروه (مؤمنان و دشمنان) را مشاهده کردند، یاران موسی گفتند: ما گرفتار خواهیم شد. موسی پاسخ داد: هرگز، پروردگارم با من است، او مرا هدایت خواهد کرد و ما موسی و همه همراهانش را نجات دادیم، سپس دیگران را غرق کردیم» (شعراء / ۶۶ - ۶۱) (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷ / ۵۸۱).

اهمیت توکل در قرآن به قدری است که نه تنها به تبیین مفهوم توکل پرداخته، بلکه در برخی آیات به صورت دستوری از مؤمنان خواسته می‌شود که به خدا توکل کنند. این افعال امری می‌تواند راهنمایی برای مؤمنان باشد تا در شرایط دشوار، مسیر صحیح را گم نکنند و با یاری از عالم غیب، به رستگاری برسند. لذا بر تمامی مسلمانان واجب است که در مقابله با دشمن، از نیروهای معنوی و غیبی بهره برده و علاوه بر ارتقای خود، دین خدا را نیز به مقصود نهایی برسانند. «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ و بر خدا باید توکل کنند کسانی که توکل می‌کنند» (ابراهیم / ۱۲) (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۲۵۶).

در قرآن همچنین عدم توکل بر خدا، مورد بازخواست قرار گرفته است. آیه «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ» (ابراهیم / ۱۲) بیانگر این موضوع است که توکل بر خدای متعال و درخواست یاری از او، لازمه حرکت مؤمنان است. انسان بدون توجه و حمایت خداوند نمی‌تواند به اهداف نهایی دست یابد. نتیجه توکل بر خدا چیزی جز موفقیت نیست، چراکه خداوند تمام بندگانی را که به او توکل کرده‌اند، کفایت می‌کند. او به خودی خود دستور به توکل داده و گفته است که در مسیر حرکت کنید تا کمک شما باشم. از خدای حکیم جز عمل به وعده‌ها و فرموده‌هایش انتظاری نمی‌رود: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ کسانی که مردم به آنان گفتند: "مردم برای شما گرد آمده‌اند، پس از آنان بترسید"، ایمانشان بیشتر شد و گفتند: "خدا ما را کافی است و چه وکیل نیکویی است"» (آل عمران / ۱۷۳) (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۰۱).

در کنار مستندات قرآنی و روایی می‌توان از سیره و تاریخ نیز برای بیان توکل استفاده کرد. مثلاً در داستان حضرت موسی علیه السلام و مقابله با رود نیل، ایشان نهایت توکل و اعتماد خود را به خدا بیان می‌کنند و می‌فرمایند «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعرا / ۶۲). موسی گفت: «این چنین نیست، بی‌تردید پروردگارم با من است، و به زودی مرا هدایت خواهد کرد». در بخش سیره و تاریخی می‌توان نقش توکل در جنگ بدر را بیان کرد که خداوند، با فرستادن هزار فرشته به استغاثه پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان پاسخ داد و آنان را یاری کرد: «إِذِ تَسْتَفِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال / ۸).

تحلیل و بررسی

توکل در منظومه دینی نقطه تلاقی عقل، اراده و ایمان است. مؤمن با به‌کارگیری همه اسباب مادی، نتیجه را به اراده خداوند می‌سپارد و از این طریق آرامش و امید می‌یابد. این نگرش، پیروزی را وابسته به سنن الهی می‌داند، نه صرفاً محاسبات بشری. در مقابل، اندیشه غیردینی بر اصل خوداتکایی مطلق استوار است و نقش خدا یا غایت متعالی را نفی می‌کند.

۲. دعا

در روایات اسلامی، دعا به‌عنوان سلاح انبیا برای پیشبرد مقاصدشان معرفی شده است: «عَلَيْكُمْ سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ. فَقِيلَ: وَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ؛ شما باید از سلاح پیامبران بهره‌مند شوید. پرسیده شد: سلاح پیامبران چیست؟ فرمود: دعا است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۶۸)؛ اما دعا به معنای کناره‌گیری از تلاش و کوشش نیست، بلکه باید در کنار دیگر ابزارهای موفقیت به کار گرفته شود. دعا نباید فرد را به سمت تنبلی سوق دهد. دعا، وسیله‌ای در کنار سایر وسایل است. همچنان که خداوند در عالم هستی

وسایل و اسباب متعددی قرار داده است، دعا نیز یکی از آن اسباب است. در بسیاری از دعاها، نیاز و مقصود خواستن مطرح می‌شود. البته دعا نباید باعث تنبلی کردن و کوتاهی در تلاش و کسب علم باشد. دعا کردن در کنار تلاش کردن انسان را به مقصود می‌رساند. «دعا موجب نشود کسی از ابزار مادی و علت و معلول طبیعی دست بشوید و نه دعا رقیب آنها نیست، بلکه در طول آنها است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۳۰).

۳. اطاعت از ولی

یکی از اصول مهم دینی برای دستیابی به موفقیت در برابر دشمنان، اطاعت از ولی است. در قرآن کریم، تأکید فراوانی بر این اصل شده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَآ تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» از خدا و پیامبر او اطاعت کنید و نزاع و اختلاف نکنید که سست و ناتوان خواهید شد و توان شما هدر می‌رود؛ و صبر پیشه کنید، که خدا با صابران است» (انفال / ۴۶) (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۶۳).

در واقع، گروهی که از رهبری دانا و خردمند برخوردار بوده و از او پیروی کنند، احتمال موفقیت و غلبه بر دیگران در میان آنها بسیار بیشتر است. ممکن است کسی به خدا ایمان داشته باشد، لکن به وحی ایمان نداشته باشد، این کافی نیست، لذا در قرآن در موارد عدیده اطاعت پیغمبر پس از اطاعت خدا ذکر شده: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ؛ خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید».

در کنار وجود رهبری الهی و دانا، حضور جامعه‌ای مطیع و فرمانبردار ضروری است؛ زیرا در صورت نبود اطاعت از ولی و امام، همه آن خردمندی بی‌فایده بوده و دشمن می‌تواند به‌سادگی بر پیروان دین غلبه کند و تمامی نقشه‌های سپاه حق را نقش بر آب سازد. بنابراین، مردم دیندار برای موفقیت و پیروزی در برابر دشمن، باید امام حق را به‌خوبی بشناسند و در کنار او تا آخرین نفس جهاد کنند.

باین‌حال، گاهی دنیاپرستی و حب نفس ممکن است بر مردم غلبه کند و آنان را مشغول دنیای مادی سازد، که این امر باعث سستی و نزاع در میان آنان می‌شود و در نتیجه، در جنگ به دشمنان خواهند باخت. «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ؛ خداوند وعده‌اش را به شما راست‌گو کرد، هنگامی که دشمنان را با اجازه او حس می‌کردید، تا آن زمان که سست شدید و در کار اختلاف کردید و بعد از آنکه نشانه‌های هدایت را دیدید، نافرمانی نمودید» (آل عمران / ۱۵۲).

اطاعت از امام عادل اهمیت بسیاری دارد؛ به‌گونه‌ای که ممکن است خطاهای کوچک فردی در مقایسه با مصلحت جامعه قابل چشم‌پوشی باشد. در مقابل، افرادی که از امام عادل حمایت نمی‌کنند، مورد خشم الهی قرار می‌گیرند؛ زیرا منافع جامعه را فدای رفتارهای محدود خود می‌کنند. نظام اسلامی به جامعه سعادت می‌بخشد و این نظام بر پایه هندسه الهی و براساس نقشه خداوند بنا شده است. اگر چنین

نقشه‌ای اجرا شود، بسیاری از تخلفات فردی قابل چشم‌پوشی خواهد بود. روایت معتبری نقل شده که حدیث قدسی را بیان می‌کند:

لَأَعْدِبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ لَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا هَادِيًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً.

به‌درستی که هر گروهی در اسلام که از امام ستمگری پیروی کند - هر چند در اعمال خود نیکوکار و پرهیزگار باشند - مورد عذاب قرار می‌گیرند، و هر گروهی در اسلام که از امام هدایتی از طرف خدا پیروی کند - حتی اگر در اعمال خود ظالم و گناهکار باشند - مورد عفو و بخشش خواهند بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۱۱۰).

رفتارهای اشتباه افراد در داخل نظام، قابل اغماض است، اما در صورت خطا بودن و شیطانی بودن نظامات اجتماعی، به مقصد رسیدن جامعه غیرممکن خواهد شد. کار فردی و تخلف فردی در یک نظام عظیم اجتماعی که حرکت عمومی به سمت درستی است، قابل اغماض است. برخلاف اینکه اگر چنانچه نه، اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود، نظامات جائری بود، نظامات از ناحیه خدا نبود، از ناحیه شیطان بود، از ناحیه نفس بود، اعمال فردی نمی‌تواند این جامعه را بالاخره به سرمنزل مقصود برساند.

در کاربرد این بحث می‌توان گفت که نبود اطاعت از ولی، منجر به شکست سپاه حق می‌شود. و اهمیت پرهیز از تنازع اشاره شده است:

وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا (انفال / ۴۶).

نزاع و اختلاف نکنید که سست و ناتوان خواهید شد و توان شما در هم می‌رود.

تحلیل و بررسی

در دیدگاه دینی، رهبری مشروع تجلی اراده الهی در جامعه و شرط تحقق وحدت و پیروزی است. اطاعت از ولی عادل نه از سر اجبار، بلکه ناشی از فهم ضرورت نظم الهی و حفظ مصالح امت است. این اطاعت ضامن عدالت، همبستگی و مقاومت در برابر طغیان قدرت است؛ اما در نظام غیردینی، رهبری معمولاً بر مبنای قرارداد اجتماعی یا منافع ملی تعریف می‌شود و فاقد پشتوانه قدسی است.

۴. علم به قطعی بودن نصرت الهی به مؤمنان

نصرت خداوند متعال در حقیقت به معنای این است که ما در مسیر احیای سنت‌های الهی قدم برداریم؛

در طبیعت و جامعه تأثیر بگذاریم؛ در بیداری فطرت‌ها نقش داشته باشیم و برای نجات انسان از عوامل بدبختی و مشکلات تلاش کنیم. این همان یاری ما برای دین خداست. «نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنت‌های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت‌ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه عوامل بدبختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۲۶۶).

یکی از مبانی اساسی دینی، اطمینان به نصرت قطعی خداوند نسبت به مؤمنان است. در قرآن آمده است: «وَلَيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حج / ۴۰). «آن کسی که خدا را نصرت کند، خدا قطعاً او را نصرت خواهد کرد و نصرت کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۷/۲۱). همچنین در آیه «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد / ۷) بر این اصل تأکید شده است. حدیثی از پیامبر به نقل از طبری بیان می‌دارد: «حَقُّ عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُعْطِيَ مَنْ سَأَلَهُ، وَ يَنْصُرَ مَنْ نَصَرَهُ؛ بر خدا واجب است که هر کس از او درخواست کند عطا کند و هر کس او را یاری نماید، یاری کند» (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۱۹۳). و نیز: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرَسُولِي إِنْ اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ خداوند نوشته است که من و پیامبرانم پیروز خواهیم شد؛ زیرا خداوند توانا و عزیز است» (مجادله / ۲۱). در این آیات، تأکیدهای فراوانی بر نصرت الهی به مؤمنان به کار رفته است.

سنت الهی بر این اصل استوار است که به افراد دیندار و حاضر در صحنه مبارزه امداد رساند. خداوند در آیه «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج / ۳۸) وعده‌ای صریح داده که از مؤمنین دفاع می‌کند.

قرآن کریم با عباراتی متفاوت بشارت پیروزی جبهه حق بر کفار را می‌دهد. مؤمنان موظفند این بشارت‌ها را در قلب خود تقویت کنند تا به استواری در مسیر دست یابند. اهل ایمان با رعایت تقوا و پیروی از دستوره‌های الهی در ابعاد فردی و اجتماعی، دل‌های خود را با خدای متعال مأنوس می‌کنند و در موقعیت‌های دشوار آگاهند که پیروزی نهایی از آن ایشان است. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵) (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۱۳).

در نبرد حق و باطل، خداوند همیشه حضور دارد و در صورت حضور مؤمنان، دین خدا غالب و پیروز خواهد بود. «وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ؛ و خداوند با شماست و هیچ‌گاه اعمالتان را رها نمی‌کند» (محمد / ۳۵). «وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و اینکه خداوند با مؤمنان است» (انفال / ۱۹)؛ یعنی حمایت، هدایت و پشتیبانی خداوند همواره همراه کسانی است که ایمان دارند و بر راه حق ثابت قدم‌اند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۳ / ۱۴۹۱). معیت خدا با اهل دین، عامل افزایش امید آنهاست؛ زیرا خدای متعال محور عظمت و توانایی در جهان است و اگر او با گروهی باشد، آن گروه به‌طور قطع بر دشمنانشان غلبه خواهند کرد. «یکی از

امیدبخش‌ترین آیاتی که امروز می‌خواهم اینجا به آن اشاره کنم، آیه‌ای است که به معیت الهی اشاره دارد: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (توبه / ۴۰). این احساس که خدا با ماست و در کنار ماست، بسیار مهم است؛ زیرا خداوند مرکز قدرت و عزت است. وقتی خدا با یک جبهه باشد، این جبهه بدون شک پیروز است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). در آیات متعدد قرآن، اصل نصرت الهی به مؤمنان مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران / ۱۶۰). «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج / ۴۰).

تحلیل و بررسی

در جهان‌بینی توحیدی، نصرت الهی نتیجه ایمان و عمل صالح است؛ وعده‌ای است که در صورت پایداری و اخلاص تحقق می‌یابد. این نوع پیروزی از سنخ امداد غیبی است و در لحظات سرنوشت‌ساز، فراتر از محاسبات انسانی عمل می‌کند. تاریخ صدر اسلام و انقلاب اسلامی ایران گواه آن است که نیروی ایمان می‌تواند موازنه قدرت را دگرگون کند؛ اما در تفکر غیردینی، پیروزی تنها محصول محاسبه و استراتژی است.

ج) مبنای اختصاصی پیروزی در نگاه غیردینی

از مبانی اختصاصی پیروزی مادی‌گرایان می‌توان به ضرورت تسلط بی‌حد و مرز، خودبرتربینی و تقویت روحیه خطرپذیری اشاره کرد. افرادی که به امور دینی اعتقادی ندارند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا از منابع مادی به حداکثر استفاده بهره‌برداری نمایند. این گروه، رمز موفقیت خود را در ایجاد سلطه‌ای دائمی و بدون رعایت اصول انسانی می‌دانند. علاوه بر این، مادی‌گرایان به دلیل دستیابی زودتر به فناوری و علم، خود را از سایرین برتر تلقی می‌کنند و بنابراین، پیروزی دائمی را حق خود می‌دانند. آنها همچنین دارای روحیه‌ای بالا در پذیرش خطر هستند که این ویژگی، در پیشرفت علمی و استعماری آنها نقش بسزایی ایفا می‌کند و به نوعی از نترسی و دل‌به‌دریا زدن ناشی می‌شود.

۱. تسلط با استفاده از هر ابزار

یکی از مبانی غیردینی برای پیروزی بر خصم، لزوم استفاده از تمام ابزارها و امکانات، بدون توجه به سازگاری آنها با اصول اخلاقی یا حقوق انسانی است. در این نگاه، هدف اصلی شکست دشمن به هر قیمتی است؛ لذا از ابزارهایی مانند کشتار جمعی، غارت و استعمار نیز بهره می‌برند. نمونه‌های تاریخی از این رفتارها در تاریخ اسلام نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، معاویه در جنگ صفین آب را بر سپاه امام علی علیه السلام بست تا از این طریق، خود را پیروز میدان کند (طبری، ۱۳۹۴: ۴ / ۵۷۱). با این حال، رفتار

امام علی علیه السلام پس از تصرف آب کاملاً در تضاد با این رفتار ناجوانمردانه بود و مبتنی بر اصول انسانی و اسلامی انجام شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۶۵).

تمدن غرب نیز بر پایه شرارت و حذف معنویت بنا شده است. این تمدن به‌جای پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی، بر اهداف مادی و ابزارگرایانه تمرکز دارد و از هر وسیله‌ای، حتی اگر ناقض حقوق بشر باشد، برای سلطه بر دیگران استفاده می‌کند. به‌عنوان نمونه، در مسئله فلسطین، ذات شرور غربی‌ها به‌وضوح آشکار شد. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بیان فرمودند:

این تمدن بر پایه شرارت بنا شده، بر پایه جدایی و عناد با معنویت و فضایل معنوی و ارزش‌های معنوی بنا شده است؛ از آن انتظار خیر نمی‌شود داشت؛ این را همه می‌گفتند، اما در حوادث این شش ماه گذشته در مسئله غزه و فلسطین، خود دولت‌های غربی این ذات شریر را در مقابل چشم همه دنیا قرار دادند؛ نشان دادند که این تمدن چه تمدنی است (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۳/۰۱/۲۲).

در زمان استعمار، غربی‌ها به‌راحتی بر بومیان مسلط می‌شدند و دارایی‌های ارزشمند آنها را در مقابل هدایای اندک از آنها می‌گرفتند (میرکیانی، ۱۴۰۱ الف: ۵۰). آنها علاوه بر دزدیدن دارایی مردم بومی، به وسیله سگ‌های تحریک‌شده، سرخپوست‌ها را پاره‌پاره می‌کردند (میرکیانی، ۱۴۰۱ الف: ۶۲). در دیدگاه غیردینی، افراد برای تحقق اهداف خود و کسب برتری بر دیگران، بهره‌گیری از انواع ابزارها را مجاز می‌دانند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها، رسانه است که از آن برای اعمال نفوذ، جهت‌دهی افکار عمومی و تثبیت قدرت خود استفاده می‌کنند. بهره‌مندی از رسانه به‌عنوان ابزاری برای تسلط و پیروزی، جایگاه ویژه‌ای در رویکردهای مبتنی بر سودانگاری و قدرت‌محوری در اندیشه‌های غیردینی دارد (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

گروه‌های غیردینی گاهی ابزارهای کارآمد را برای تحقق اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک خود به‌صورت نامتناسب و مضر به کار می‌گیرند. در برخی موارد، نسخه‌ای به‌عنوان وسیله‌ای تأثیرگذار در پیشبرد سیاست‌ها و فناوری‌هایی که پیامدهای مرگ‌بار یا ویرانگر داشته‌اند، مورد استفاده قرار گرفته است. این فرایند نشان‌دهنده چگونگی تبدیل یک دانش کاربردی به ابزاری برای سلطه یا خشونت است که مستلزم تحلیل انتقادی از مناسبات قدرت، اخلاق کاربرد علم و پیامدهای اجتماعی - سیاسی آن است (فایربرد، ۱۳۸۵: ۳۶).

آنها حتی برای مسیحی کردن مردم نیز از زور استفاده کردند (میرکیانی، ۱۴۰۱ ب: ۳۹). از آنجا که اکثریت مردم اروپا در دوره‌های استعمار پیرو آیین مسیحیت، به‌ویژه شاخه‌های کاتولیک و پروتستان بودند،

گسترش این دین به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی در سرزمین‌های مستعمره دنبال شد. تبلیغ مسیحیت در این مناطق غالباً با اهدافی فراتر از جنبه‌های صرفاً دینی صورت می‌گرفت و در عمل، بخشی از راهبردهای سلطه‌جویانه استعمارگران به شمار می‌آمد. در این چهارچوب، دین مسیحیت نه‌تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای نفوذ فرهنگی، بلکه به‌مثابه ابزاری جهت مشروعیت‌بخشی به سلطه سیاسی و اقتصادی استعمار و تضعیف یا سرکوب فرهنگ‌ها و باورهای بومی به کار گرفته می‌شد (بری بوزان، ۱۴۰۳: ۸۸).

این مقایسه نشان می‌دهد که در نگاه دینی، پیروزی به قیمت زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی و انسانی مردود است، درحالی‌که تمدن‌های مبتنی بر مادی‌گرایی، خود را محدود به این اصول نمی‌دانند. از نمونه‌های بارز وحشی‌گری سیاست غربی می‌توان به تاریخ دوره استعمار اشاره کرد. کشورهای غربی با ظاهر مرتب و ادعاهای حقوق بشری، جنایات گسترده‌ای را علیه ملت‌های تحت استعمار خود رقم زده‌اند. آنها نه‌تنها انسان‌ها را به قتل رسانده‌اند و اموالشان را غارت کرده‌اند، بلکه برای جلوگیری از پیشرفت و توسعه این ملت‌ها در همه زمینه‌ها نیز تلاش زیادی کرده‌اند. این شواهد نشان می‌دهد که رفتار غربی‌ها، در پشت پرده ظاهری متمدنانه، نمایانگر ذات خشونت‌آمیز و زیاده‌خواهی بی‌منطق آنان است. به همین دلیل، نقد تمدن غربی بر مبنای تحلیل دقیق رفتارهای آنها، ضرورتی اساسی برای فهم واقعیت نظام قدرت در جهان امروز به شمار می‌آید.

در تصویرسازی بحث به‌عنوان مثال بارز، می‌توان از رفتار امام علی علیه السلام در جنگ صفین در مورد آب یاد کرد که حتی پس از مسلط شدن، آب را به روی دشمن نریختند. در مقابل استفاده معاویه از همین ابزار (بستن آب) استفاده کرد. این تفاوت، شاخص‌های دینی پیروزی (عدالت و اخلاق) را در برابر شاخص‌های غیردینی (تسلط و ابزارگرایی صرف) برجسته می‌کند (طبری، ۱۳۹۴: ۴ / ۵۷۱).

در بررسی کاربردی ابزارها باید گفت که در دیدگاه غیردینی، ابزارهایی مانند «علم» می‌توانند از کارکرد مثبت خود خارج شوند. دانش در این نگاه، نه‌تنها به نفع بشریت نیست، بلکه برای «استعمار مملکت‌ها» (مستعمره کردن ملت‌ها) و حتی «کشتار جمعی» مورد استفاده قرار گرفته است. شواهد تاریخی (انقلاب صنعتی) زیادی وجود دارد، به‌عنوان یک تصویرسازی واضح، که چگونه در دوران «انقلاب صنعتی»، ابزار علم و فناوری توسط «کشورهای زورگو» مانند انگلستان، به‌عنوان وسیله‌ای برای «به زنجیر کشیدن ملت‌های دنیا» به کار رفت. این نشان می‌دهد که ابزار، تحت ایدئولوژی غلط، جهت‌گیری کاملاً متفاوتی پیدا می‌کند. استعمارگران برای تأمین محصول مورد نیاز خود در کارخانه‌ها نیازمند جمع‌آوری بیشتر پنبه بودند. در نتیجه باید برده‌های بیشتری را شکار می‌کردند تا با کار سخت‌تر محصول مورد نیاز آنها را تأمین کنند (میرکیانی، ۱۴۰۱: ۷۶).

تحلیل و بررسی

هر دو نظام به ضرورت ابزار و قدرت اذعان دارند، اما جهت‌گیری‌شان متفاوت است. در نگاه دینی، قدرت وسیله‌ای برای اقامه حق، عدالت و حفظ کرامت انسانی است؛ درحالی‌که در نگاه غیردینی، قدرت خود هدف است و ارزش اخلاقی در آن دخالت ندارد. این تفاوت سبب می‌شود که تمدن دینی حتی در استفاده از فناوری یا نظامی‌گری نیز به محدودیت‌های اخلاقی پایبند بماند، درحالی‌که تمدن سکولار با توجیه «مصلحت و منافع»، به بهره‌گیری نامحدود از ابزار خشونت، رسانه و سلطه مشروعیت می‌دهد. بنابراین، استفاده از ابزار در چهارچوب دینی مقید به مسئولیت اخلاقی است، اما در چهارچوب غیردینی بی‌قید و خودبنیاد است.

۲. استکبار

روحیه برتری‌طلبی در تمدن غرب، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته، همواره مورد توجه بوده است. غرب این روحیه را به‌صورت مداوم در خود تقویت کرده و آن را مبنای پیشرفت و پیروزی خود قرار داده است. چنین نگرشی باعث شده است که حقوق انسانی دیگر ملت‌ها را نادیده بگیرد و خود را فراتر از سایرین تصور کند. این باور برتری‌جویانه، نه‌تنها در رفتارهای تاریخی غرب نمایان است، بلکه در مبانی نظری و فکری آنان نیز نمود دارد. براساس این دیدگاه، غربی‌ها، با تکیه بر تصور برتری ذاتی، به‌طور مکرر افراد را از حقوق اولیه انسانی محروم کرده و اموال و امکانات آنها را تصاحب کرده‌اند.

آیت‌الله مصباح یزدی در این باره می‌نویسد:

غرب دائماً روح برتری‌طلبی را نسبت به فرهنگ‌های دیگر در خود احساس کرده و روزبه‌روز تقویت می‌کند. نیچه عقیده داشت که اساساً آدمی برای غلبه بر ضعیفان آفریده شده و خوی سلطه‌جویی در طبیعت او وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۳۷).

این نگرش فلسفی و اجتماعی که در آثار اندیشمندان و تاریخ‌نگاران غربی نیز بازتاب یافته است، خود به‌عنوان یک فرهنگ برتر باید توسط دیگری، که مردم مستعمرات بودند، پذیرفته شود (بری بوزان، ۱۴۰۳: ۷۰).

در نگرش‌های مبتنی بر رویکردهای غیردینی و مادی‌گرایانه، برخی افراد استثمارشده نه‌تنها از جایگاه انسانی کامل برخوردار نیستند، بلکه گاه به‌عنوان افرادی مخالف با ارزش‌های مورد نظر خود تلقی می‌شوند و حتی در مواردی، شأن انسانی آنان مورد انکار یا تقلیل قرار می‌گیرد. این نگرش می‌تواند به حاشیه‌رانی، بی‌ارزشی و حتی نفی انسانیت گروه‌های تحت سلطه در چشم صاحبان قدرت بینجامد (زیگلر، ۱۳۶۵: ۲۲).

افرادی که به اصول دینی پایبند نیستند، ممکن است برای تحقق اهداف و نظرات شخصی خود، از تحقیر دیگران دریغ نکنند و این عمل را به عنوان یک مسئولیت شخصی تلقی کنند. این رفتار می تواند به دلیل عدم پذیرش و احترام به ارزش ها و دیدگاه های انسانی دیگران باشد و نشان دهنده فقدان همدلی و شناخت عمیق نسبت به تجربه های دیگر افراد است (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۸۷).

پیامد چنین نگرشی این بوده است که اروپاییان، با ادعای داشتن ویژگی های برتر، خود را محق به سلطه گری، استثمار و به بردگی کشاندن سایر ملت ها دانسته اند:

پیام روشن تر این گونه نوشته ها آن است که اصولاً اروپاییان با ویژگی های پسندیده ای که در سرشت خویش دارند از بقیه جهانیان برترند و از همین روست که باید بر جهان چیره شوند و مردم جهان را به بردگی و استثمار کشند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۳۹).

تصویر خلاصه و تحلیلی از تفاوت و شباهت شاخص های پیروزی در دو چهارچوب فکری (دینی و غیردینی)

شاخص	نگاه دینی	نگاه غیردینی
تلاش و مجاهدت	تلاش همراه با نیت الهی، جهاد در راه خدا، نتیجه وابسته به رضای الهی (آیه: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا...)	تلاش ابزاری برای تسلط، پیروزی بر اساس کار و رقابت صرفاً انسانی
علم و آگاهی	علم نافع وسیله قرب الهی و اقتدار معنوی است؛ علم باید با ایمان همراه باشد	علم ابزار سلطه و توسعه قدرت مادی است؛ هدف، تسلط بر طبیعت و انسان
صبر و پایداری	صبر عامل نصرت الهی و غلبه بر دشمن (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...)	پایداری ابزاری برای حفظ منافع و موقعیت قدرت
خطرپذیری و شجاعت	فداکاری در راه حق و ارزش الهی؛ شهادت طلبی	ریسک پذیری برای منافع شخصی و ملی
توکل و ایمان	توکل بر خدا، همراه با عمل (اعقل و توکل)	تکیه بر محاسبات عقل ابزاری و تکنولوژی
اطاعت از ولی و رهبری مشروع	اطاعت از امام عادل یا ولی فقیه، محور وحدت و مشروعیت	تبعیت از منافع جمعی یا رهبری سیاسی سکولار
نصرت الهی	امداد غیبی، پیروزی معنوی، وعده الهی به مؤمنان	تکیه بر استراتژی و قدرت نظامی
استفاده از ابزار مادی	ابزار در خدمت ارزش های الهی و عدالت	ابزار در خدمت سلطه و منافع مادی

تحلیل تطبیقی جدول نشان می‌دهد که در چهارچوب دینی، شاخص‌های پیروزی همواره در پیوند با ایمان، اخلاق، و هدف الهی معنا می‌یابند و ابزار مادی نقش خادم را دارند؛ اما در چهارچوب غیردینی، همان شاخص‌ها عمدتاً در جهت منافع و قدرت ابزاری به کار می‌روند. این تفاوت در نمونه‌های تاریخی نیز آشکار است: پیروزی‌های دینی گرچه گاه ظاهراً محدودترند، اما پایداری معنوی و اخلاقی به دنبال دارند؛ درحالی‌که پیروزی‌های غیردینی، با وجود دستاوردهای فناورانه، غالباً با بحران‌های اخلاقی و انسانی همراه بوده‌اند.

د) اشکالات فقدان نگاه دینی

جهان مادی و معنوی در کنار یکدیگر بنیان هستی را شکل داده‌اند، و نگاه دینی بر این باور استوار است که حرکت در مسیر زندگی، بدون تأیید و تقویت عوامل معنوی، به موفقیت کامل نمی‌انجامد. قرآن کریم در بیان این حقیقت اشاره می‌کند: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال / ۱۷). این نگاه به عالم ملکوت و بهره‌گیری از اسباب معنوی، مسیر حرکت را در چهارچوب خلقت معنا می‌بخشد و آن را به هدف نهایی می‌رساند. در مقابل، نگاه غیردینی به دلیل غفلت از عوامل غیبی و معنوی، بسیاری از تلاش‌ها را ناکام گذاشته و از مسیر صحیح منحرف می‌سازد. قرآن کریم چنین تلاش‌هایی را به خانه عنکبوت تشبیه می‌کند: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ مثل کسانی که به جای خدا، سرپرست و ولی برمی‌گزینند، مانند عنکبوت است که خانه‌ای برای خود ساخته است؛ و همانا سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند» (عنکبوت / ۴۱).

انسان مؤمن نه تنها تلاش‌های مادی خود را به کار می‌گیرد، بلکه خود را نیازمند امدادهای الهی می‌داند. این وابستگی معنوی، او را از غرور و خودبینی حفظ کرده و تلاش‌هایش را در مسیر اهداف الهی هدایت می‌کند. در قرآن کریم آمده است: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَتْهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا» (قصص / ۷۸).

و در جای دیگر بیان می‌کند که امداد الهی برای کسانی است که علاوه بر اعتماد به خداوند، وظایف خود را به درستی انجام دهند: «وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ؛ و اگر شما را رها کند، پس چه کسی پس از او می‌تواند شما را یاری دهد» (آل عمران / ۱۶۰).

نگاه غیردینی، افق دید انسان را به رفتارهای محدود دنیوی تقلیل داده و او را از درک ابعاد وسیع‌تری از حیات باز می‌دارد. این نگاه موجب می‌شود تا افراد تصور کنند که موفقیت تنها در گرو تلاش‌های مادی

آنان است. قرآن کریم این نوع نگاه را نادرست دانسته و می‌فرماید: «ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف / ۱۰۳). علاوه بر این، تقابل با دین و معنویت، نه تنها ثمرهای به بار نمی‌آورد، بلکه موجب شکست و خفت فرد نیز می‌شود: «أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ؛ آیا آنها (کافران) نقشه و دسیسه می‌خواهند؟ پس کسانی که کافر شدند، خودشان دسیسه‌گرند» (طور / ۴۲).
 بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از ابعاد معنوی و نگاه توحیدی، نه تنها ضامن موفقیت و آرامش فردی است، بلکه در سطح اجتماعی نیز بستری برای تحقق عدالت، امنیت و پیشرفت فراهم می‌آورد.

نتیجه

در پژوهش حاضر تلاش شد تا شاخص‌های پیروزی در دو چهارچوب فکری دینی و غیردینی مورد واکاوی تطبیقی قرار گیرد. بررسی داده‌ها نشان داد که هر دو منظومه فکری به دنبال تبیین عواملی‌اند که انسان و جامعه را به غلبه و کامیابی می‌رساند، اما مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی آنها تفاوتی بنیادین دارد.

در نگاه دینی، پیروزی مفهومی چندلایه است که ریشه در رابطه انسان با خدا دارد و بر محور ایمان، توکل، صبر، علم نافع، جهاد، و نصرت الهی شکل می‌گیرد. این مؤلفه‌ها نه تنها در قرآن کریم - مانند آیات ۴۵ انفال، ۱۶۰ آل عمران، ۴۰ حج و ۷ محمد ﷺ - بلکه در سیره نبوی و علوی علیه السلام نیز به‌عنوان عناصر پایدار پیروزی معرفی شده‌اند. آموزه‌های دینی پیروزی را امری صرفاً مادی نمی‌دانند، بلکه آن را نتیجه پیوند میان تلاش انسانی و امداد الهی تلقی می‌کنند. از این رو، پیروزی حقیقی در این چهارچوب، فراتر از غلبه نظامی یا سیاسی است و به تحقق ارزش‌هایی چون عدالت، ایمان و کرامت انسانی منتهی می‌شود.

در مقابل، نگاه غیردینی بر بنیان عقل ابزاری، تجربه‌گرایی، و قدرت مادی استوار است. در این رویکرد، شاخص‌های پیروزی در مفاهیمی چون تسلط با هر ابزار و استکبارگری و خطرپذیری خلاصه می‌شود. این الگو، برخاسته از تفکر غربی است. چنین نگرشی، گرچه در عرصه‌های اقتصادی و نظامی توانسته موفقیت‌های کوتاه‌مدت فراهم آورد، اما در بُعد انسانی و اخلاقی با بحران معنا و سلطه‌طلبی همراه شده است؛ چنان‌که تجربه استعمار و جنگ‌های جهانی نشان می‌دهد، فقدان پیوند اخلاق و قدرت، نهایتاً به فروپاشی درونی تمدن منجر می‌شود.

مقایسه این دو چهارچوب نشان می‌دهد که در نگاه دینی، قدرت ابزاری در خدمت ارزش‌های الهی قرار دارد و از مسیر عبودیت و التزام به ولایت معنا می‌یابد، درحالی‌که در نگاه غیردینی، ارزش‌ها تابع

قدرت و منافع مادی هستند. نتیجه این دو نگرش در عمل نیز متفاوت است: نظام‌های مبتنی بر ایمان و عدالت، پایداری و مشروعیت بلندمدت دارند، اما نظام‌های صرفاً مادی و سلطه‌محور گرچه ممکن است پیروزی‌های ظاهری کسب کنند، در تداوم تاریخی دچار فرسایش اخلاقی و اجتماعی می‌شوند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که مدل جامع پیروزی در عصر حاضر، نه در انکار دستاوردهای عقلانی و ابزاری غرب، بلکه در تلفیق توانمندی مادی با معنویت دینی و اخلاق الهی تحقق می‌یابد. بدین معنا که پیروزی پایدار، حاصل توازن میان عقل و ایمان، قدرت و عدالت، و انسان و خداست. این رویکرد می‌تواند مبنای نظری و کاربردی برای بازسازی الگوی پیروزی در تمدن نوین اسلامی قرار گیرد؛ الگویی که برخلاف الگوی غیردینی غرب، بر رشد هم‌زمان انسان و جامعه تأکید دارد و غلبه را در خدمت تعالی قرار می‌دهد، نه سلطه.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). *نور الحکیم*. ترجمه مصطفی درایتی. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر.
- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴). *شرح نهج البلاغه*، دار إحياء الكتب العربية / مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی رحمته الله.
- ابن اثیر (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹). *شناخت استعمار*. قم: نشر المصطفی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵). *البرهان فی تفسیر القرآن*. ترجمه بنیاد بعثت. واحد تحقیقات اسلامی. قم: مؤسسه البعثة. مرکز الطباعة و النشر.
- بری بوزان (۱۴۰۳). *دگرگونی جهانی: تاریخ مدرنیت و تکوین روابط بین‌الملل*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای: <https://www.farsi.khamenei.ir>
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲). **الكشف و البيان المعروف تفسیر الثعلبی**. ترجمه ابی محمد ابن عاشور و نظیر ساعدی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**. ترجمه محمدرضا حسینی جلالی و مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث. مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). **تفسیر نور الثقلین**. ترجمه هاشم رسولی. قم: اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۴). **۷۲ سخن عاشورایی**. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۸). **دعا**. تهران: انقلاب اسلامی.
- زیگلر، ژان (۱۳۶۵). **غارت آفریقا**. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سید قطب (۱۴۲۵). **فی ظلال القرآن**. بیروت: دار الشروق.
- شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹). **نظریه و نقد پسااستعمار**. تهران: علم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبری (۱۳۹۴). **تاریخ طبری**. تهران: اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفة.
- فایربرد، پاول (۱۳۸۵). **طرح نظریه آرناشیستی معرفت**. تهران: نشر فکر روز.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵). **تفسیر الصافی**. ترجمه حسین اعلمی. تهران: مکتبه الصدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **أصول کافی**. ترجمه محمود کتابچی، ترجمه هاشم رسولی و جواد مصطفوی. هرا: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**. بیروت: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. مؤسسه الطبع و النشر.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). **تهاجم فرهنگی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- میرکیانی، مهدی (۱۴۰۱ الف). **سفر به آن سوی دریاها**. تهران: مهرک.
- میرکیانی، مهدی (۱۴۰۱ ب). **صلیب خونین**. تهران: مهرک.